

## دکتر مجید سرمدی\*

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه پیام نور کرج

## علی اصغر فیروزنیا\*\*

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه پیام نور مرکز تهران

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال چهارم، شماره دهم، بهار ۱۳۹۱

(صص ۷۴-۴۹)

## طغرا، نسخه ی خطی او و شبه قاره

### چکیده

هند در عهد سلطنت خاندان تیموری، مهد پرورش شاعران فارسی بوده است. گروهی از شاعران، در همان روزگار از ایران به آن دیار رفته و همان جا مانده و در گذشته اند. شهرت برخی فراگیر است، اما جمعی نیز کمتر شناخته شده اند.

طغرای مشهدی یکی از این شاعران سخنور است که متأسفانه تقریباً گمنام مانده است. او از شعرای توانای سبک هندی در قرن یازدهم هجری است که در عهد شاه جهان (جل. ۱۰۳۷ هـ. ق. - عزل ۱۰۶۸ هـ. ق.) در هند زیسته و در ملازمت شاهزاده مراد بخش بوده است. او آخر عمر را در کشمیر گذرانده و در همان جا فوت کرده و به خاک سپرده شده است. او در شعر و نثر، چیره دست بوده و در آثار خود، واژه های هندی را بسیار به کار گرفته است. طغرا شاعری مضمون آفرین بوده؛ ولی با این همه بلندپروازی، به آوازه ای درخور، نرسیده است. در تحقیق حاضر، به معرفی او و آثار وی بویژه نسخه ی خطی دیوانش می پردازیم. در

---

\*Email: MS\_IR@Pnu.ac.ir

\*\*Email: Riasat@bojnourdiau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۱۲ [www.SID.ir](http://www.SID.ir)

این مقاله به معرفی دو نسخه ی خطی طغرا و همچنین ارتباط وی با شبه قاره ی هندوستان التفات شده است. روش تحقیق در این مقاله به شیوه ی موضوعی است و ضرورت این پژوهش، کمک به شناخت بیشتر سبک هندی و برهه ای از تاریخ و فرهنگ شبه قاره ی هندوستان است.

**کلیدواژه ها:** طغرای مشهدی، نسخه ی خطی، شبه قاره، تیموریان هند، سبک هندی.

### مقدمه

یکی از شعرای سبک هندی که در کشور ما، چندان به او و شعرش توجه نشده، طغرای مشهدی است. درباره ی سال تولد و حیات او، اطلاعات دقیقی در دست نیست. زندگانی وی نسبتاً طولانی بوده است. از ملاحظه ی آثار طغرا برمی آید که او شاعری توانا و پرکار بوده و مضمون پردازی از ویژگی های سخن اوست. طغرا در قالب های مختلف شعری طبع خود را آزموده و قدرت طبع وی در سرایش انواع شعر، آشکار است. شعری، او نسبت به شعر عصر خویش، فصیح و ممتاز است و در بین شعرای قرن یازدهم هجری رتبه ای رفیع دارد.

درباره ی شخصیت طغرا، برخی تذکره ها مطالبی مختصر نوشته اند. برای مثال نواب صدیق حسن خان، ۱۳۸۶: ۴۳۴-۴۳۳ و کوپاموی، ۱۳۸۷: ۴۸۹-۴۸۸ و واله داغستانی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۲۹۱-۱۲۹۰ در بین نوشته های روزگار ما نیز، درباره ی زندگی و شعر طغرا، یکی از اولین تحقیقات، از حسام الدین راشدی است. او در کتاب «تذکره ی شعرای کشمیر»، به نقل مطالب تذکره ها راجع به طغرا پرداخته و منتخبی از شعر و نثرش را آورده است. (راشدی، ۱۳۴۶، ج ۲: ۷۳۰-۷۶۹)

نوشته ی دیگر از احمد گلچین معانی در کتاب «کاروان هند» است. گلچین معانی به دلیل آشنایی با انواع تذکره های فارسی، به خصوص تذکره هایی که در شبه قاره ی

هندوستان نوشته شده، به نقد و نقل آرای صاحبان تذکره درباره ی طغرا پرداخته، سپس ابیاتی را از اشعار وی آورده است.

او رسائلی از طغرا را که تاکنون به طبع رسیده اند، چنین برمی شمارد: «فردوسی، تاج المدایح، الهامیه، مرآت الفتوح، تجلیات، کنزالمعانی، مرتفعات، مجمع الغرایب، مشابها ربیعی، معیار الادراک، تحقیقات، تعدادالنوادیر، چشمه ی فیض، جلوسیه، انوار المشارق، آشوب نامه، رقتات، عبرت نامه، تذکره الاخیار.» (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۸۱۳)

گلچین معانی، خود، گزیده ای از ساقی نامه ی طغرا را به طبع رسانده و در این باره چنین نوشته است: «نسخه ای از ساقی نامه ی ده هزار بیتی طغرا که در جواب ظهوری ترشیزی گفته و مختم است به مدح شاه عباس ثانی، به دست نگارنده رسیده و منتخبی از آن را در تذکره ی پیمانه (ص ۲۷۷ - ۲۸۹) آورده ام.» (همان: ۸۱۶)

از جمله محققان دیگری که راجع به طغرا مطلب نوشته اند، محمد قهرمان است. او در سال ۱۳۸۴ ه.ش. برگزیده ای مختصر از اشعار طغرا را با نام «ارغوان زا رشفق» به طبع رسانید. این کتاب، به اختلاف دو نسخه پرداخته و فقط به نسخه ی موجود در دانشگاه مشهد نظر داشته است. با این فرضیه که اقامت طولانی مدت طغرا در شبه قاره، به صورت های گوناگون در آثار وی به ویژه شعر بازتاب داشته و تأثیر گذاشته است، شعر وی را از این نظر بررسی می نمایم.

هدف از این امر، از سویی شناخت کامل تر نسبت به یکی از تواناترین شاعران سبک هندی است، از سوی دیگر به معلومات ما راجع به پیوند ادبیات فارسی با فرهنگ و محیط شبه قاره می افزاید.

## زندگی طغرا

«ملا طغرای مشهدی از شاعران و نویسندگان و مترسلان زبردست سده ی یازدهم هجریست. ولادتش در مشهد بود و همان جا بیالید و به تحصیل پرداخت و در آخرهای دوران جهانگیر پادشاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ه. ش) به هند رفت و بعد از چندی اقامت در دکن به شمال سفر کرد و به دربار شاه جهان راه جست و به سمت منشی در دستگاه شاهزاده مرادبخش فرزند شاه جهان پذیرفته شد.» (صفا، ۱۳۷۱، ج ۵، بخش ۳: ۱۷۷۰)

برخی از صاحبان تذکره، او را به تبریز و شیراز منسوب کرده اند. (نصرآبادی، ۱۳۷۹: ۵۱۶) در تذکره ی ریاض الشعرا، راجع به طغرا و زمان مهاجرتش به هند چنین آمده است: «در نظم و نثر دستگاه عالی داشته. در زمان شاه جهان پادشاه به هندوستان آمده.» (واله داغستانی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۲۹۰)

مؤلف تذکره ی نتایج الافکار، درباره ی سال های پایانی عمر طغرا این طور می نویسد: «آخر الامر در کشمیر دلپذیر به کنج انزوا نشست و همان جا او اخر ماه حادی عشر رخت سفر آخرت بر بست و متصل قبر ابوطالب کلیم مدفون گردید.» (کوپاموی، ۱۳۸۷: ۴۸۹)

## معرفی دو نسخه ی طغرا

الف) نسخه ی کلیات طغرا متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد:

نسخه ای از کلیات طغرا به شماره ی ۳۲۱ در کتابخانه ی دیوان هند انگلیس مضبوط است که میکروفیلم آن را کتابخانه ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی (دانشگاه فردوسی مشهد)، همراه با نسخه ی عکسی از آن در اختیار دارد. اشعار طغرا در مقاله ی حاضر، از این نسخه نقل گردیده است. در ضمن، ما عدد ۱۱۳۲ را که در مُهر آغاز این نسخه موجود است، در مقاله ی خود سال کتابت آن قرار داده ایم. در این مُهر، کلمات «شاه غازی محمد شاه» نقش شده است. علامت اختصاری این نسخه، در این مقاله، به

صورت «م» آمده است. این مجموعه دارای ۴۱۴ برگ است. ابیات آغاز و انجام دیوان در این نسخه این گونه است:

آغاز: «زهی لطف سازنده ی آب و خاک      به رقص آور سبز طاووس تاک.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۱)

انجام: «تا عفو شود خطای این نامه سیاه      دارد به کفم خامه تضرع ز صریر.»

(همان: ۳۱۱)

در قسمت اشعار، هر برگ در بردارنده‌ی حدود صد بیت است. این نسخه به خط نستعلیق و متن آن با مرکب سیاه نوشته شده است. این نسخه در مقایسه با نسخه ی دیوان طغرا متعلق به مجلس شورای اسلامی، کامل تر است؛ زیرا ساقی نامه، غزلیات و رباعیات طغرا را در بردارد. همچنین دارای رسائل و منشآت او نیز است. در صفحه ی ترقیمه (انجامه)، نام کاتب «فقیر کمال الدین حسین» ذکر شده است. مندرجات این نسخه به ترتیب چنین است:

۱) ساقی نامه: (برگ ۱ تا ۹۵)

آغاز: «زهی لطف سازنده ی آب و خاک      به رقص آور سبز طاووس تاک.» (همان: ۱)

پایان: «به صوت دعا دم کشی ساز کن      به آهنگ آمین لبی باز کن.» (همان: ۹۵)

۲) قصاید: (برگ ۹۷ تا ۱۴۲)

آغاز: «حکمت او در گشود غمکده خاک را      پر گهر اشک ساخت حقه افلاک را.»

(همان: ۹۷)

پایان: «عیب طغرا نکنی بر سر این تند مقال      گر بدانی که کشیده است چهار کشمیر.»

(همان: ۱۴۲)

۳) قطعات: (از برگ ۱۴۳ تا ۱۴۵)

آغاز: «تبارک الله ازین بزم عشرت افروزی که عیش می رسد از وی به چار حدّ جهان»  
(همان: ۱۴۳)

پایان: «تا ز اورنگش به زیبایی نشسته نقش تاج

پیش او استند به یک پا شوخ بی پروای چتر» (همان: ۱۴۵)

۴) فردیات: (از برگ ۱۴۵ تا برگ ۱۴۶)

آغاز: «صددل به یک نگاه تو سوزد جدا جدا یک آتش است و شمع فروزد جدا جدا»

(همان: ۱۴۵)

پایان: «رخ نیفروخته در بزم خراب تو شدم پیش از آن دم که خوری باده، کباب تو شدم»

(همان: ۱۴۶)

۵) مثنویات: (از برگ ۱۴۶ تا برگ ۱۴۷)

آغاز: «به نام آن که شد سازنده ی چرخ به رقصش چرخ چون معروف در کرخ»

(همان: ۱۴۶)

پایان: «الهی خانه ی خود کن مقامم کزو مانند چو ابراهیم نامم»

(همان: ۱۴۷)

۶) ترجیع بند، ترکیب بند، مخمّس (از برگ ۱۴۸ تا ۱۷۴)

آغاز: «چگونه خصم کند جنگ با سپاه عرب که خسرو مدنی گشت پادشاه عرب»

(همان: ۱۴۸)

پایان: «من ناتوان و خصم توانا بسان دد با دد چگونه حرب کنم یا علی مدد».

(همان: ۱۷۴)

(۷) غزلیات (از برگ ۱۷۵ تا ۳۰۲)

آغاز: «نمی شدن و خط دیوان مارشک گلستانی زبسم الله بر سر گرمی زد شاخ ریحانی».

(همان: ۱۷۵)

پایان: «سعدی خوش لهجه کو تا رشک بر طغرا برد

کاین غزل راگفت از حرف الف تا حرف یی» (همان: ۳۰۲)

(۸) رباعیات (از برگ ۳۰۲ تا برگ ۳۱۱).

آغاز: «یا رب به تنم شورش مستانه بده وجدی ز می عشق چو پیمانه بده».

(همان: ۳۰۲)

پایان: «تا عفو شود خطای این نامه سیاه دارد به کفم خامه تضرع ز صریر».

(همان: ۳۱۱)

(۹) رسائل و منشآت طغرا (از برگ ۳۱۳ تا برگ ۴۱۴).

آغاز: «بسم الله الرحمن الرحیم. فردوسی ی طغرا عبارتیست از این بوستان معنی پروری».

(همان: ۳۱۳)

پایان: «درهم شکنند به قوت بازویش زنجیر کباده گر ز افلاک شود».

(همان: ۴۱۴)

ب) نسخه ی خطی دیوان طغرا متعلق به کتابخانه ی مجلس شورای اسلامی

این نسخه به شماره ی ۱۳۶۲۸ به نام دیوان طغرای مشهدی ثبت گردیده است. این نسخه، در برگ آغازین، سرلوح دارد. عناوین اشعار، بارنگ شنگرف متمایز گردیده است. نسخه ی مذکور به خط نستعلیق و متن آن با مرکب سیاه نوشته شده است و ۱۲۸ برگ دارد. این نسخه فاقد بخش ساقی نامه، غزلیات و رباعیات است. همچنین رسائل و منشآت طغرا را ندارد. تاریخ موجود در پایان نسخه ۱۳۵۳ هـ. ق. است.

علامت اختصاری نسخه ی خطی دیوان طغرا (متعلق به کتابخانه ی مجلس شورای اسلامی ایران)، نیز در مقاله حاضر، به صورت «مع» آمده است. آغاز و انجام این نسخه چنین است:

آغاز: «حکمت او درگشود غمکده خاک را پر گهر اشک ساخت حقه ی افلاک را.»  
(طغرا، ۱۳۵۳: ۱)

پایان: «طغرا ز جنگجویی او دیده چون نشان مشغول این دعای اثرخیز گشته است.»  
(همان: ۱۲۸)

این نسخه به ترتیب دربردارنده ی اشعار زیر است:

- ۱- قصاید: (از برگ ۱ تا برگ ۸۰). ۲- قطعات: (از برگ ۸۰ تا ۸۴). ۳- فردیات: (از برگ ۸۴ تا برگ ۸۶). ۴- مثنویات: (از برگ ۸۶ تا برگ ۸۸)
- ۵) ترجیع بند، ترکیب بند، مخمس: (از برگ ۸۸ تا برگ ۱۲۸).

ابیات آغازی و پایانی در قسمت های مذکور از این نسخه، همچون نسخه ی قبلی است. در بخش بعدی از همین مقاله، در ذکر ممدوحان طغرا، به موارد مهم از اختلاف دو نسخه، اشاره خواهیم کرد.



## طغرا و شبه قاره

طغرا مدت مدیدی را در هندوستان گذرانید و در همان دیار ماند و وفات یافت. آشنایی با تاریخ و جغرافیا و فرهنگ شبه قاره ی هندوستان بویژه در قرن یازدهم هجری قمری، از عوامل مهم فهم شعر و نثر اوست و حتی می توان گفت بعضی از زوایای پنهان فرهنگ مردم شبه قاره و تاریخ پادشاهان مغول هند را از لابه لای اشعار و منشآت و رسائل او می توان شناخت. او علاوه بر این که لغات هندی را فراوان در کلام خود آورده، در مضمون آفرینی های شاعرانه و نثر مسجع، به آداب و رسوم هندوان نظر داشته است؛ حتی در وصف معشوق در شعرش تأثیر محیط شبه قاره کاملاً مشهود است. او نام مکان های زیادی را ذکر کرده است که در آن جا هستند یا قبلاً بوده اند. توصیفات طغرا از شهرهای مختلف، ما را از جزئیات و وضعیت جامعه ی هند در آن قرن مطلع می گرداند. از این رو، شعرش در شناخت شبه قاره در عهد سلاطین تیموری هند ارزشمند است. توصیفات او از شهرها نشان می دهد که او در این شهرها اقامت داشته است. در اینجا پیوند او را با شبه قاره در چند زمینه بررسی می کنیم:

۱- ممدوحان طغرا. بیشتر ممدوحان وی از حاکمان شبه قاره بوده اند. در اینجا تعدادی از معروف ترین ممدوحانش را ذکر می نمایم:

۱-۱- شاه جهان. «چون نوبت سلطنت در هندوستان به نام شاه جهان بن جهانگیر زده شد، در عهد وی انواع صنایع ظریفه و فنون جمیله در آن کشور، به حد اتقان و کمال رسید. بساط دولتی باشکوه و دستگاه سلطنتی باعظمت در آن دیار گسترده گشت. از جمله تخت مرصعی برای زیب بارگاه خود امر به ساختن فرمود که آن را به سنت قدیم تخت طاوس نام نهاد.» (حکمت، ۱۳۸۵، ج ۸: ۱۴۳)

قصیده ی ۳۶ با نام «تختیه»، در مدح این پادشاه سروده شده است. بیت ۴۶ از آن چنین است: «شاه جهان که تخت مرصع تمام کرد/ می خواست کز جلوس تو گیرد قرار تخت.»

۱-۲- دارا شکوه. «قادری: هندوستانی، نام وی محمد و ملقب به دارا شکوه پسر بزرگ و ولی عهد شاه جهان پادشاه هندوستان است.[...] با ملا شاه بدخشانی ارادت و اخلاص می ورزید و چون سلسله ی ملا شاه و میان شاه میر لاهوری به طریقه ی قادری منسوب بود، قادری تخلص نمود.» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۰ : ۱۵۲۵۵)

در پایان قسمت «فردیات»، یک مثنوی پنج بیتی آمده که در مدح دارا شکوه است. در بیت سوم آن، چنین می گوید:

«خدایت کامگار شاعری کرد / ازین راهت تخلص قادری کرد.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۱۴۶)

۱-۳- شاهزاده شجاع. «محمد شجاع: دومین پسر شاه جهان است.»

(کلیم همدانی، ۱۳۶۹: ۶۱۴)

قطعه ی ۱ از دیوان طغرا، در مدح این شاهزاده است که شاعر در بیت هفتم به نام او تصریح کرده است:

«نهال گلشن اقبال شاهزاده شجاع / کزو شکفته بود باغ عمر شاه جهان.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۱۴۳)

۱-۴- اورنگ زیب. «اورنگ زیب نسبت به دیگر حاکمان مغول، علاقه مندی کمتری به شاعران داشت و به علت کم توجهی او به این موضوع، مقام ملک الشعرائی در دربارش لغو و حذف شد و ترجمه ی احوال شاعران متوقف شد.» (صافی، ۱۳۸۷: ۹۴)

با این همه در شعر طغرا نام وی آمده است. مثلاً در بیت ۳۰ از قصیده ی ۴۰ نام این

ممدوح را ذکر کرده است:

«اورنگ شه آن زیب ده پلّه که غمّان در وزنگه اش ریخته گوهر به ترازو.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۱۳۸)

همان طور که از ردیف قصیده پیداست، این شعر به مناسبت «جشن وزن» گفته شده است. این آیین در عهد شاهان گورکانی هند رایج بوده است. (شیمل، ۱۳۸۶: ۲۴۱) همچنین طغرا در بیت ۱۵ از قصیده ی ۳۸ نام این ممدوح را ذکر نموده است. (طغرا، ۱۱۳۲: ۱۳۷)

۱-۵- مرادبخش. «محمد مرادبخش: خردترین پسر شاه جهان است.» (کلیم همدانی، ۱۳۶۹: ۶۱۵)

طغرا مدتی در ملازمت شاهزاده مرادبخش بوده است و «در لشکرکشی این شاهزاده برای تسخیر بلخ با وی همراه بود و مرآت الفتوح را در حالات فتح بلخ و بدخشان نوشت.» (انوشه، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۵۰۴) قابل ذکر این که شاعر در بیت ۱۸۹ از قصیده ی ۱۲ نام این ممدوح را آورده است:

«سپهرکوبه، سلطان مرادبخش که داد به او خدای جهان، کوب جهانبانی.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۱۱۲)

۱-۶- قطب شاه عبد الله «ظهور سلسله ی قطب شاهی در تلنگانه نه تنها از نظر سیاسی بلکه از نظر فرهنگی نیز اهمیت ویژه ای داشت؛ چرا که سلاطین این سلسله، اهل شعر و ادب و مروّج آن بودند. لذا ابتدا گلکنده و سپس حیدرآباد مرکز رواج فرهنگ و ادب گردید.» (کرمی، ۱۳۷۳: ۶۹) قطعه ی چهارم در مدح قطب شاه عبد الله (۱۰۸۳ - ۱۰۲۰ ق.) است که بیت اول آن چنین است:

«همای اوج شرف، قطب شاه عبد الله که خوان مرحمتش عام همچو لطف خداست.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۱۴۸)

۷-۱- علی عادل شاه. «اکثر پادشاهان دکن، شیعه مذهب بودند و تاج دوازه ترک را بر سر می نهادند؛ مخصوصاً علی عادل شاه بهمنی که نخستین بار دستور داد اذان نماز را به طریق مذهب جعفری بگویند.» (چوهدری، ۱۳۸۶: ۱۷) بیت دوم از قصیده ی ۳۴ در نسخه ی «م» به صورت زیر است:

«آب و رنگ چمن فتح، علی عادل شاه  
که ازو کرد ظفر نشو و نما در کشمیر.»  
(طغرا، ۱۱۳۲: ۱۳۴)

البته همان بیت از قصیده ی ۳۴، در نسخه ی «مع»، به این صورت است:

«آب و رنگ چمن فتح، علی مردان خان  
که ازو کرد ظفر نشو و نما در کشمیر.»  
(طغرا، ۱۳۵۳: ۶۵)

«علی مردان خان امیرالامرا: در ۲۴ شوال ۱۰۵۲ [ه.ق.] خطاب امیرالامرا و منصب هفت هزاری ذات و هفت هزار سوار، پنج هزار سوار دو اسبه و سه اسبه به او داده شد.» (کلیم همدانی، ۱۳۶۹: ۶۲۳-۶۲۲) گفتنی است که در هر دو نسخه، در پایان بخش فردیات، چند رباعی وجود دارد. یکی از رباعی ها هجو یکی از شاعران معاصر طغرا است. نام شاعری که هجو شده، در نسخه «م» «صائب» است. بیت اول آن چنین است:

«صائب از پرده ی حیا لوچی  
دختر هیچ و خواهر پوچی.»  
(طغرا، ۱۱۳۲: ۱۴۶)

ولی نام شاعر هجوشده، در نسخه ی «مع»، «صاحب» است:

«صاحب از پرده ی حیا لوچی  
دختر هیچ و خواهر پوچی.»  
(طغرا، ۱۳۵۳: ۸۶)

راجع به حکیم محمد کاظم صاحب می توان از تذکره ی کلمات اشعراى سرخوش استفاده کرد. (سرخوش، ۱۹۴۲: ۶۷)

۲- کثرت لغات هندی: طغرا، لغات هندی را به فراوانی به کار برده که در حد خود نوعی سنت شکنی بوده است. خان آرزو اشتراک لغات فارسی و هندی را به چهار وجه می داند. توضیح وجه چهارم را به نقل از فرهنگ «چراغ هدایت» که همراه با «غیاث اللغات» به طبع رسیده، می آوریم: «چهارم التزام باشد چنانکه در اشعار ملا طغرا که الفاظ هندی را عمداً در اشعار خود آورده.» (رامپوری، ۱۳۶۳: ۱۰۱۸) او در غزل نیز لغات هندی را به کار برده که گاه خوش ننشسته، گاهی هم بر ملاحظت بیت افزوده است مثلاً: چلیم: چلیان Chalim (معین، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۳۱۱)

«سرو ماچون برگِ تنباکو گذارد بر چلیم از پی اخگر چراغ لاله سرگردان شود.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۲۳۸)

سکاسن: «کلمه ای هندی است. ظاهراً تصور می رود اطاقکی بوده که بر روی فیل تعبیه می کردند تا بزرگان و صاحبان فیل در آن استراحت کنند.» (نهایندی، ۱۳۸۱، بخش ۳: ۱۰۲۴)

«چگونه هندوی زلف از دو جانبش نرود؟ نشسته راجه ی خال تو در سکاسن لب.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۱۹۵)

چیره Chira «به معنی دستار هندی الاصل است لیکن متأخرین به لفظ بستن و پیچیدن

استعمال نموده اند.» (محمد پادشاه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۴۷۲)

«گشود چیره ی خود را به دست خجالت، شمع

چو بست چیره ی زر، شوخ سیم پیکر ما.» (طغرا، ۱۱۳۲: ۱۷۷)

هار Hâr « سلک مروارید و گل ها و مانند آن که در گلو اندازند.»

(بهار، ۱۳۸۰، ج ۳: ۲۱۱۹)

«طغرا مَطْلَب مهر که آن سبز جفاکیش در گردن خود، خون تو را هار شمرده.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۲۸۷)

پانی Pâni « (کلمه ی هندی) آب.» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴: ۴۶۹۵)

«ز پانی پت آن کس که نوشید پانی چو طوطی شده سبز رطب اللسانی.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۱۶۶)

مَهاجَن Mahâjan «قومی از هندوان و این لفظ هندی الاصل است.» (بهار، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۹۶۲)

«ز سرمایه ی خود نگوید مهاجن اگر سیم و زر تا به کیوان ندارد.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۱۶۹)

«به هر سویس از سبزه ی برشکالی بود تازه باغی که رضوان ندارد.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۱۶۹)

(BarŠekal) «[...] و ارض الهند تُمطر مطراًلحمیم فی الصیف و یسمونه برشکال.»

(بیرونی، ۱۳۷۷: ۱۷۰)

(Râm râm) «از مسلمانی بر آورد آن بت هندو مرا داد رم از دین و ملت، رام رام او مرا.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۱۸۱)

«رام: در هندی یکی از نام های باری تعالی است و به تکرار مثل الله الله فارسیان با لفظ

گفتن و زدن استعمال نمایند.» (بهار، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۰۵۸) طغرا بارها از سازهای هندی و

اصطلاحات موسیقی آن دیار سخن گفته است. مثلاً: «تال از دو جام زر نشان پیموده صهبای  
فغان/ لیکن ز دست مطربان بر هم نگون سار آمده.» (طغرا، ۱۱۳۲: ۱۳۱)

Tâl «دو پیاله کوچک باشد از برنج که خنیاگران هندوستان به هنگام خوانندگی آنها  
را برهم زنند و به صدای آن اصول نگاه دارند و رقص کنند (تبریزی، ۱۳۸۰: ۲۲۷)

۳- طغرا اشاراتی در ابیات خویش به آداب و رسوم شبه قاره دارد که برای نمونه، ابیاتی  
نقل می گردد.

Holi «در هندی نام عیدی و جشنی است. این جشن را در اوائل فصل بهار برپا  
می کنند.» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴: ۲۰۸۶۳)

«شد وقت هولی باختن، با رنگ و بو پرداختن

خود را چو گلبن ساختن باغ ارم خوار آمده.» (طغرا، ۱۱۳۲: ۱۳۱)

«بود قبله ی هندیان آب جمنه                      که بر خاک او همنشین گیاه است.»

(همان: ۱۶۷)

«چو خاکستر تکیه جوکیانش                      ندیده است چشم فلک توتیایی.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۱۶۸)

«مستحسن پروانه نگردد زن هندو                      چون دختر رز گر شده بی دود به آتش.»

(همان: ۲۵۲)

سنّاسیان Sannâsi «جمع سنّاسی، و آن فرقه ایست از فقیران هنود.»

(محمدپادشاه، ۱۳۶۳، ج ۳: ۲۴۷۲)

«در کنار آب گنگ دیده ام بی روی دوست

گشته سناسی به خود مالیده خاکستر، مژه.» (همان: ۲۹۲)

«به غیر از عشق اگر آیین دیگر دلشین می شد

به ذوق سوختن می داشتم آیین هندو را.» (همان: ۲۸۶)

«غنچه بنشیند دو زانو در دبستان چمن همجو طفلان برهن بید را از بر کند

نسترن چون شاسترخوانان نمی گردد ز دین

گر ز روی مصحف گل یک سخن باور کند.» (همان: ۲۲۳)

«واژه ودا (= بید) در زبان سانسکریت از ریشه ی وید مشتق شده و به معنی دانش است:

اما به طور اخص به معنی دانش الهی یا علم مُنزل است.» (جلالی نایینی، ۱۳۷۵: ۶۴)

«شاستر: به زبان سانسکریت نام علم عقائد و فقه هندو است.» (محمد پادشاه، ۱۳۶۳، ج ۴: ۲۵۶۲)

شاسترا (Śāstra) «کتاب مقدس، متون مقدس ودایی.» (پرابهو پادا، ۱۳۸۳: ۸۱۰)

«کشنی که هنود حق شکوهش خوانند در مذهب طغرا نبود غیر علی.»

(طغرا، ۱۳۳۲: ۳۰۲)

طغرا لغت «کرشنه» یا «کریشنا» را به صورت «کشنی» به کار برده است.

(Kriṣṇa) «آنچه بخصوص راماینه و مهابهارته در فلسفه ی هندو به وجود آوردند نظریه

ی اوتاره، تجسم خدا به شکل انسان، است. در این دو رزم نامه دو اوتاره ظاهر می شوند،

یکی رامه، پهلوان راماینه و دیگری کرشنه که دوست پاندوه ها و ارا به ران ارجونه است.»

(سن، ۱۳۵۴: ۱۰۸ - ۱۰۷)

در «بهاگاواد گیتا» از زبان کریشنا چنین آمده است:



«من همچین قمارِ متقلبان و شکوهِ شکوه مندان هستم.» (پرابهوپادا، ۱۳۸۳: ۵۰۶)

(Mahādeva) «شیوارامهادوه یا مهادیویا ایشواره، خدای بزرگ، می شناسند.» (ایونس، ۱۳۷۳: ۷۰)

«در این سرزمین مهادیو ریشه کند گل پریزاد رنگی صنم را.»

(طغرا، ۱۳۳۲: ۱۷۰)

### (۳) نام مکان های متعلق به هندوستان

ترجیع بندی از طغرا در صفحات ۱۲۴ - ۱۱۶ از نسخه ی «م» آمده است. این ترجیع بند در ۴۴۰ بیت سروده شده و شاعر، آن را «حاصل هند» نامیده است.

این ترجیع بند تاکنون در ایران ناشناخته بوده و بنابراین هیچ گونه تحقیقی در زمینه ی معرفی یا بررسی آن صورت نگرفته است. او در این ترجیع بند، اسامی شهرهای آنجا را با اشاره به آداب و رسوم همراه با لغات هندی آورده است. این شعر، ۴۰ بند دارد. طغرا در هر بند از این شعرش، نام یک شهر از شبه قاره را با ویژگی هایش توصیف کرده است. بیت نخست از بند اول آن را می آوریم که درباره «شاه جهان آباد» است:

«ز شهری که آباد شاه جهان شد جهان تازه چون صحن جنان شد.»

(طغرا، ۱۳۳۲: ۱۶۶)

«دهلی کهنه یا شاه جهان آباد. مجاور دهلی نو است و باروی سنگی بلندی بر آن احاطه دارد که به وسیله ی شاه جهان ساخته شد. وی دهلی را با بناهای باشکوه بیاراست. از آثار مهم عهد وی لعل قلعه یا قلعه ی سرخ است.» (مصاحب، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۵۱۶)

در این شعر نام تانیسر، پانی پت، سرهند، اود، مَتره، اگریه، اُتاه، اله آباد، داکه، پتنه، ادریس، حیدرآباد، نورس، بیدر، جُنیر، احمدنگر، دولت آباد، بکلانه، سورت، برهانپور، سُرَنج، دُهلور، اچیر، اینیر، گجرات، کُچ، تته، مُلتان، لاهور، بجواره، رهتاس و... آمده است.



«از غم سیزانِ هند رفت چو طغرا به خاک برگ معیشت نبرد جز کفن نیمرنگ»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۲۶۴)

سبز بر خوبان کشمیر و پنجاب و گجرات اطلاق شده است. (محمدپادشاه، ۱۳۶۳، ج ۳: ۲۳۱۷) متأسفانه در اشعار غنایی طغرا آن سوز و گداز عاشقانه که در شعر شاعران مکتب وقوع دیده می شود وجود ندارد. غزل او غزلِ مضمون است؛ از همین رو بیشتر ذهن را التذام می بخشد.

«رفتنی باشد ز خط سبز او، مهمانِ حُسن

سبزه ی خطِ پانِ رخصت بس بود بر خوانِ حُسن.» (طغرا، ۱۱۳۲: ۲۸۰)

توضیح اینکه «در بعض بلاد هند رسم است که به وقت رخصت کردن پان به شخص رونده می دهند.» (رامپوری، ۱۳۶۳: ۱۶۵)

«شوخی سوسن را مگو دل می رباید قشقه ات

ذات رجپوت است ترسم دست بر خنجر کند.» (طغرا، ۱۱۳۲: ۳۳۶)

قَشَقَه QaŠqa را «فارسیان به معنی نشانی که کفار بر پیشانی کنند از زعفران و صندل و غیره استعمال کنند.» (بهار، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۶۲۰)

«گردیده پای بند به حُسن برشته ای چون زلف او ندیده ام از سر گذشته ای.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۲۷۴)

منظور از حُسن برشته در بیت حسن معشوق است.

شَبَه نَقْد هستی به گوهر سپرد

«مسی چون به دندان او راه برد

کند حلقه بینی چو از سیم ناب هلالی شود روکش آفتاب.»

(طغرا، ۱۱۳۲: ۵۶)

«مسی: نوعی از سنون متعارف هندوستان که بدان دندان را رنگ کنند.» (بهار، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۹۱۷) و «حلقه بینی: آن است که زنان حلقه ی طلا با دو دانه ی مروارید و در میان آن یاقوت در بینی اندازند.» (محمد پادشاه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۵۴۵)

### نتیجه

در این مقاله سعی بر آن بوده است تا به معرفی یکی از شاعران سبک هندی، یعنی طغرای مشهدی و ارتباطش با شبه قاره ی هندوستان بپردازیم. نتیجه ی این پژوهش نشان می دهد:

- ۱- طغرا از شعرای برجسته در قرن یازدهم هجری بوده است. او در عهد صفویه از ایران به هند مهاجرت کرد و به دربار پادشاهان تیموری هند نزدیک گردید و مدتی ملازم شاهزاده مرادبخش، پسر شاه جهان بود. اواخر عمر را در کشمیر به حالت انزوا سپری کرد.
- ۲- اختلاف بخش ها در دو نسخه ی دیوان طغرا در این مقاله بررسی شده است. یکی نسخه ی خطی متعلق به کتابخانه ی مجلس شورای اسلامی ایران به شماره ۱۳۶۲۸ است و دیگری نسخه ی عکسی کلیات طغرا، همراه با میکروفیلم آن به شماره ثبت ۷۰، متعلق به کتابخانه ی دانشکده ی ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد است. این نسخه عکسی و میکروفیلم از روی نسخه ی خطی کلیات طغرا به شماره ی ۳۲۱ متعلق به کتابخانه ی دیوان هند در انگلستان تهیه گردیده است.

۳- ارتباط طغرا با شبه قاره از چند بُعد اهمیت دارد. نخست این که اغلب ممدوحان وی از خاندان تیموری هند بوده اند. دیگر این که طغرا نسبت به دیگر شاعران سبک هندی،

بیشتر به آوردن لغات هندی پرداخته و در این کار تعمّد داشته است. گاهی این امر موجب تازگی و گاهی هم مایه ی تکلف در شعر او شده است.

اسامی مکان های مختلف که در شبه قاره هندوستان هستند، و نیز اشاره به آداب و رسوم هندوان در شعرش بسیار است. همچنین اقامت او در شبه قاره، در صورخیال شاعرانه اش تأثیرگذار بوده است.

Archive of SID

## منابع

- ۱- انوشه، حسن و دیگران (۱۳۸۶) **طغرای مهدی**، دایره المعارف تشیع، تهران: نشر شهید سعید محبی، ص ۵۰۴.
- ۲- ایونس، ورونیکا (۱۳۷۳) **اساطیر هند**، ترجمه ی باجلان فرخی، ج ۱، تهران: گلشن.
- ۳- بهار، لاله تیک چند (۱۳۸۰) **بهار عجم**، ج ۲ و ۳، تصحیح کاظم دزفولیان، ج ۱، تهران: طلایه.
- ۴- بیات، بایزید (۱۳۸۲) **تذکره ی همایون و اکبر**، به تصحیح محمد هدایت حسین، ج ۱، تهران: اساطیر.
- ۵- بیرونی، ابوریحان (۱۳۷۷) **تحقیق مالهند**، حیدرآباد دکن، ج ۱، دائره المعارف العثمانیه.
- ۶- پرابهوپادا، آ.ج. بهاکتی ودانتا سوامی (۱۳۸۳) **بهاگود گیتا همان گونه که هست**، ترجمه ی فرهاد سیاهپوش و بزرگمهر گل بیدی و الهه فرمانی، ج ۳، تهران: دانش جاودان.
- ۷- تبریزی، محمدحسین (۱۳۸۰) **برهان قاطع**، ج ۱، تهران: نیما.
- ۸- جلالی نایینی، سیدمحمد رضا (۱۳۷۵) **هند در یک نگاه**، ج ۱، تهران: شیرازه.
- ۹- چوهدری، شاهد (۱۳۸۶) **مناقب حضرت امام علی در شبه قاره**، ج ۱، تهران: اطلاعات.
- ۱۰- حکمت، علی اصغر (۱۳۸۵) **تخت طاوس**، ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، تهران: سخن، صص ۱۳۸ - ۱۵۲.
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) **لغت نامه**، ج ۴ و ۱۰ و ۱۴، ج اول از دوره ی جدید، تهران: دانشگاه تهران.
- اشرفی، حسام الدین (۱۳۴۶) **تذکره ی شرای کشمیر**، ج ۲، ج ۱، کراچی: اقبال آکادمی.

- ۱۳- رامپوری، غیاث الدین محمد (۱۳۶۳) **غیاث اللغات**، چ ۱، تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- شبلی نعمانی (۱۳۶۸) **شعر العجم**، ترجمه ی سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، ج ۵، چ ۳، تهران: دنیای کتاب.
- ۱۵- سرخوش، محمد افضل (۱۹۴۲) **کلمات الشعرا**، چ ۱، لاهور: عالمگیر پرس.
- ۱۶- سن، کیشتی مهن (۱۳۵۴) **آئین های هندو**، ترجمه ع. پاشائی، چ ۱، تهران: جهان کتاب.
- ۱۷- شیمیل، آنه ماری (۱۳۸۶) **در قلمروی خانان مغول**، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، چ ۱، تهران: امیرکبیر.
- ۱۸- صافی، قاسم (۱۳۸۷) **تاریخ زبان و ادب فارسی در سند و پیوستگی های آن با ایران**، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۹- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱) **تاریخ ادبیات در ایران**، ج ۵، چ ۲، تهران: فردوس.
- ۲۰- طغرا، **کلیات طغرا** (میکروفیلم از نسخه ی خطی کلیات طغرا به شماره ثبت ۷۰، همراه با نسخه ی عکسی آن)، کتابخانه ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۱- ----- **دیوان طغرا**، نسخه ی خطی متعلق به کتابخانه ی مجلس شورای اسلامی به شماره ی ۱۳۶۲۸.
- ۲۲- قهرمان، محمد (۱۳۸۴) **ارغوان زار شفق**، چ ۱، تهران: امیرکبیر.
- ۲۳- کرمی، مجتبی (۱۳۷۳) **نگاهی به تاریخ حیدرآباد دکن**، چ ۱، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- ۲۴- کلیم همدانی، ابوطالب (۱۳۶۹) **دیوان** ، به تصحیح محمد قهرمان، ج ۱، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۲۵- کوپاموی، محمد قدرت الله (۱۳۸۷) **تذکره ی نتایج الافکار**، به تصحیح یوسف بیگ باباپور، ج ۱، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- ۲۶- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹) **کاروان هند**، ج ۱، ج ۱، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۲۷- محمد پادشاه (۱۳۶۳) **آندراج**، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، ج ۲ و ۳ و ۴، ج ۲، تهران: خیام.
- ۲۸- معین، محمد (۱۳۷۱) **فرهنگ فارسی** ، ج ۱، ج ۸، تهران : امیرکبیر.
- ۲۹- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰) **دایرة المعارف فارسی**، ج ۱، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- ۳۰- نصرآبادی، محمد طاهر (۱۳۷۹) **تذکره ی نصرآبادی**، به کوشش احمد مدقق یزدی، ج ۱، یزد: دانشگاه یزد.
- ۳۱- نواب صدیق خان، محمد (۱۳۸۶) **تذکره ی شمع انجمن** ، تصحیح و تعلیق محمد کاظم کهدویی، چ ۱ یزد: دانشگاه یزد.
- ۳۲- نهاوندی، عبد الباقی (۱۳۸۱) **مآثر رحیمی**، به اهتمام عبد الحسین نوایی، بخش ۳، ج ۱، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۳۳- واله داغستانی، علی قلی (۱۳۸۴) **تذکره ی ریاض الشعرا** ، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، ج ۲، چ ۱، تهران: اساطیر.
- ۳۴- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۹) **فرهنگ اساطیر و داستان واره ها در ادبیات فارسی**، ج ۳، تهران: فرهنگ معاصر.



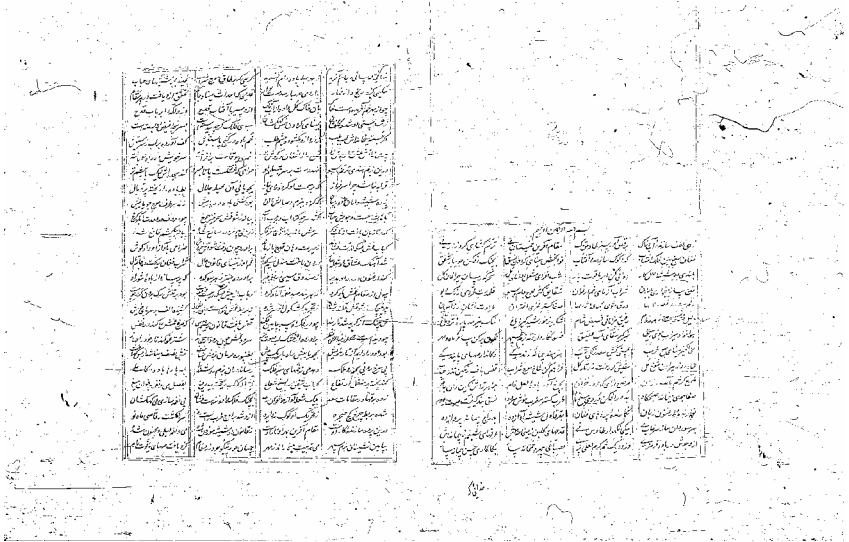
برگ اول نسخه خطی دیوان طغرا (متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی)



برگ آخر نسخه خطی دیوان طغرا (متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی)



برگ اول میکروفیلم نسخه خطی کلیات طغرا(متعلق به کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد)



برگ آخر میکروفیلم نسخه خطی کلیات طغرا (متعلق به کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد)

